

در صحنه‌ای که دانه-سو به بار سوشی می‌رود، ۴ اختاپوس زنده را می‌خورد. خوردن اختاپوس در کره جنوبی متداول است، اما معمولاً آن را قطعه‌قطعه می‌کنند. هنگامی که فیلم‌درام ۲۰۰۳ Oldboy برنده جایزه بزرگ جشنواره کن شد، کارگردان در سخنرانی خود علاوه بر تشکر از عوامل فیلم از اختاپوس نیز تشکر کرد.

■ چوبی مین-سیک ۶ هفته تحت آموزش بود و حدود ۱۰ کیلوگرم کم کرد تا برای نقش آماده شود. او اکثر صحنه‌های بدلکاری را خودش انجام داد.

■ چوبی مین-سیک بودایی است و خوردن اختاپوس در این مذهب جایز نیست.

■ رستورانی که می‌دودر آن کار می‌کند یک رستوران واقعی است و -Mediterra nean نام دارد، اما کارگردان به احترام آکیرا کوروساوا، کارگردان ژاپنی، نام رستوران را آکیرا گذاشت.

■ یو جی-ته برای حضور در فیلم یوگا یاد گرفت.

■ فیلمبرداری صحنه معروف کریدور ۳ روز به طول انجامید و در این صحنه از هیچگونه جلوه‌های ویژه کامپیوتری استفاده نشده است.

■ نام او دانه-سو در واقع از نام اودیپ، قهرمان افسانه‌ای یونانی که در نهایت عاشق مادر خود شد، گرفته شده است.



در تک تک سکانس‌های فیلم این حس انتقام غریزی را می‌توان دید. از همان بدو آزاد شدن از زندان که داستان زندگی‌اش را با تهدید برای مردی در حال خودکشی تعریف می‌کند و سپس آن مرد خودکشی می‌کند. آسانسوری که در آن به ساق پای زنی وحشت زده با نگاهی خیره می‌نگرد. رستورانی که برای اولین بار عشقش می‌دورا می‌بیند شروع به خوردن هشت پای زنده می‌کند

ساخت کشور کره جنوبی و محصول سال ۲۰۰۳ را تماشا کنند.

حقایقی که باید درباره همکلاسی قدیمی بدانید

فیلم همکلاسی قدیمی (Oldboy) با بودجه‌ای معادل ۳ میلیون دلار ساخته شد و پس از اکران در تاریخ ۲۱ نوامبر ۲۰۰۳ (آبان ۱۳۸۲) به فروش ۱۵ میلیون دلاری رسید. جوایز فیلم Oldboy در مجموع ۴۹ نامزدی و ۲۸ جایزه اصلی در جشنواره‌های مختلف بوده است که از مهمترین آنها می‌توانیم جایزه بزرگ جشنواره فیلم کن، جایزه منتخب منتقدین و ۵ دریافت و ۶ نامزدی جایزه ناقوس بزرگ را نام ببریم. بینندگان با دادن امتیاز ۸.۴ از ۱۰ به فیلم دوست قدیمی ۲۰۰۳ در سایت IMDb نشان دادند توانسته‌اند با این فیلم ارتباط برقرار کرده و از تماشای آن لذت ببرند.

حقایق جذاب درباره فیلم

تراژدی «پسر پیر» یک تراژدی معاصر از تنهایی انسان و نسخه امروزی افسانه ادیپ است... انسانی که دنیا به گریه او می‌خندد در حالی که او محکوم به تنهایی است.



دارد و کارگردان فیلم تلاش کرده زندگی شخصیت‌ها را آنگونه که هست به تصویر بکشد و این تدبیر باعث خلق سکانس بکر و معروف در سطح جهان به نام این کارگردان شده است؛ که مهم‌ترین این سکانس‌ها لحظه بلعیدن هشت پای زنده است. توجه کارگردان برای خلق اتمسفری مطابق با محوریت اصلی فیلمنامه صحنه بر این موضوع می‌گذارد که چنان ووک پارک کارگردانی مسلط بر فنون فیلمنامه نویسی است. در پایان به اساس نظر شخصی خود توصیه می‌کنم علاقه‌مندان به ژانر درام و مهیج، این اثر شاهکار از چان ووک پارک

نگاهی تازه به افسانه ادیپ شاه

معین رسولی

را می‌بیند شروع به خوردن هشت پای زنده می‌کند. فضای سرد و بی‌روح پنت هوس ووجین که گویی نماد شخصیت نابود شده ووجین و شخصیت در حال متلاشی شدن آدای سواست و بسیاری سکانس‌های دیگر که همگی به طور مشترک ارتباط انتقام با اضمحلال روح انسانی نشان می‌دهد. به طور کلی شیوه فیلمبرداری فیلم و تدوین آن نیز صحنه‌ای بر اهمیت موضوع انسانی انتقام است و خوانشی پست مدرن از مساله دگرگونی غریزی انسان‌ها.



اولین فضای این فیلم که زندان است به عنوان فضای نمادین ذهن آدای سو معرفی می‌شود. زندان برای آدای سو محرکی می‌شود تا انتقام بگیرد و این هدف و باوری است که در ناخودآگاه او رشد پیدا می‌کند. در کنار آن غریزه او نیز کم‌کم دچار التهاب و تشدید می‌شود تا جایی که میل انتقام و غریزه تبدیل به یک عنصر واحد و مشترک شده و آماده ارضای باشد.

با بیرون آمدن آدای سو از زندان وارد فضای دوم فیلم می‌شویم. فضای جامعه مدرن و متمدن کره جنوبی که اجازه ارضای غریز و انتقام را به آدای سو می‌دهد.

مردی ولگرد گوشی موبایلی به او می‌دهد و او برای نخستین بار با زندانبانانش حرف می‌زند و این آغازی است برای تراژدی دردناک آدای سو. پس از آن در رستوران با دختر خدمتکاری به نام می‌دو آشنا می‌شود و می‌دو که حال نامناسب و اوضاع وخیم او را می‌بیند، او را به خانه‌اش می‌برد و کم‌کم همانطور که به کمک هم به دنبال زندانبان می‌گردند به مرور رابطه احساسی و عاشقانه‌ای بین آن دو رقم می‌خورد.

محور اصلی فیلم مساله انتقام است و دید پست مدرنی که به عوض شدن جای انتقامجو و قربانی دارد.

در تک سکانس‌های فیلم این حس انتقام غریزی را می‌توان دید. از همان بدو آزاد شدن از زندان که داستان زندگی‌اش را با تهدید برای مردی در حال خودکشی تعریف می‌کند و سپس آن مرد خودکشی می‌کند. آسانسوری که در آن به ساق پای زنی وحشت زده با نگاهی خیره می‌نگرد. رستورانی که برای اولین بار عشقش می‌دو

موسیقی فیلم که برگرفته از شیوه کلاسیک آهنگسازی است با تنظیم و سازبندی‌های مدرن برای مثال سمفونی معروف ویوالدی و این نوع موسیقی نیز یک تلفیق پست مدرن از دوگانگی است.

در پایان فیلم آدای سو همانند جوانی‌های ووجین دیگر تاب تحمل زندگی را ندارد و دلیل آن امر این است که در می‌یابد می‌دو که عاشقش بوده و باوی رابطه داشته است دخترش است. او سعی در فراموش کردن خاطرات گذشته توسط هیپنوتیزم می‌کند. ووجین که دیگر انتقام خود را گرفته است به یاد معشوقش یعنی خواهرش لی سوا خودکشی می‌کند. آدای سو زبان خود را می‌برد تا دیگر نتواند حرفی بزند.

در واقع زندان واقعی آدای سو تازه آغاز شده است و این تراژدی تنهایی انسان معاصر است که شرایط زندگی او را به خواست خود تغییر می‌دهد. احساس دوگانگی وجود و عدم وجود، عشق و تنفر. انتقامجویی یا قربانی و پارادوکس‌هایی از این قبیل که انسان‌های معاصر با آن‌ها در ارتباط هستند.